(۱۲)

انتشار و پذیرش گروندریسه در جهان

مقدمه

مارچلو موستو

یک‌صد سال انزوا: ۱۸۵۸ـ۱۹۵۳

مارکس که در مه ۱۸۵۸ *گروندریسه* را کنار گذاشته بود تا به کار بر کتاب *در نقد اقتصاد سیاسی* بپردازد، بخش‌هایی از آن را در تألیف این متن آخر به کار برد اما بعدها تقریباً هرگز از آن استفاده نکرد. در واقع، اگرچه عادت مارکس این بود که به مطالعات قبلی‌اش متوسل شود وحتی فرازهای کاملی از آن‌ها را نسخه‌برداری کند، در هیچ‌کدام از دست‌نوشته‌های مقدماتی برای *سرمایه*، به استثنای دست‌نوشته‌های ۱۸۶۱ـ۱۸۶۳، هیچ اشاره‌ای به *گروندریسه* نمی‌کند. دست‌نوشته‌های *گروندریسه* در میان پیش‌نویس‌های دیگری باقی ماند که مارکس هیچ قصدی برای استفاده از آنها نداشت چرا که غرق در حل مسائل خاص‌تری شده بود.

یقینی درباره‌ی این موضوع وجود ندارد اما به احتمال زیاد حتی فریدریش انگلس هم *گروندریسه* را نخوانده بود. چنانکه می‌دانیم، مارکس موفق شد فقط جلد اول *سرمایه* را تا زمان مرگ خود آماده کند و دست‌نوشته‌های ناتمام برای جلدهای دوم و سوم توسط انگلس انتخاب و کنار هم چیده شد. در جریان این امر، انگلس باید چندین دفتر را که شامل نسخه‌های اولیه‌ی *سرمایه* بوده‌اند مرور کرده باشد و منطقی است بپذیریم که هنگامی که به این کوه اوراق نظم می‌داد، *گروندریسه* را هم ورق زده و نتیجه گرفته که این روایتی نارس از اثر دوستش است ـ حتی مقدم بر *در نقد اقتصاد سیاسی* ۱۸۵۹ ـ و بنابراین نمی‌توانسته برای مقصود

او مورد استفاده قرار بگیرد. علاوه بر این، انگلس هرگز اشاره‌ای به *گروندریسه* نکرد، نه در پیش‌گفتارهای خود بر دو جلد ***سرمایه*** که انتشار داد و نه در هیچ‌کدام از مجموعه‌ی وسیع نامه‌هایش.

پس از مرگ انگلس، بخش بزرگی از متون اصلی مارکس در بایگانی حزب سوسیال دمکراتیک آلمان در برلین انبار شد که با نهایت غفلت با آن‌ها برخورد کردند. کشمکش‌های سیاسی درون حزب مانع از انتشار شماری از مطالب مهمی شد که مارکس باقی گذاشته بود؛ در حقیقت، آن‌ها باعث پراکندگی دست‌نوشته‌ها شدند و برای مدتی طولانی انتشار ویراست کامل آثار مارکس ناممکن شد. هیچکس مسئولیت تهیه‌ی سیاهه‌ای از میراث فکری مارکس را برعهده نگرفت و در نتیجه *گروندریسه* همراه با سایر اوراقش مدفون باقی ماندند.

تنها بخشی از آن که در این دوران انتشار یافت، «مقدمه» است که کارل کائوتسکی در ۱۹۰۳ در ***دی نویه تسایت*** انتشار داد، به اضافه‌ی یادداشتی کوتاه که آن را «پیش‌نویسی پراکنده» مورخ ۲۳ اوت ۱۸۵۷ معرفی می‌کرد. کائوتسکی با این بحث که این مهمترین اثر مارکس است، به آن عنوان ***مقدمه‌ای بر نقد اقتصاد سیاسی*** داد و اظهار کرد که این اثر «با وجود سرشت از هم‌گسیخته»اش «دیدگاه‌های جدید»ی را ارائه کرده است (مارکس ۱۹۰۳: ۷۱۰، زیرنویس ۱). در حقیقت علاقه‌ی چشمگیری به این متن نشان داده شد: نخستین روایت‌ها به زبان‌های دیگر به فرانسه (۱۹۰۳) و انگلیسی (۱۹۰۴) بود، و پس از آنکه کائوتسکی در سال ۱۹۰۷ «مقدمه» را به عنوان پیوست به ***در نقد اقتصاد سیاسی*** انتشار داد، به سرعت مورد استقبال گسترده قرار گرفت. به دنبال آن ترجمه‌های بیشتری به روسی (۱۹۲۲)، ژاپنی (۱۹۲۶)، یونانی (۱۹۲۷) و چینی (۱۹۳۰) از آن شد تا اینکه به یکی از آثار مارکس تبدیل گردید که در کل محصول تئوریک مارکس بیشترین تفسیر را از آن خود کرده بود.

در حالی‌که بخت و اقبال روی خوش به «مقدمه» نشان داده بود، *گروندریسه* برای مدت طولانی ناشناخته باقی مانده بود. به دشواری می‌توان باور کرد که کائوتسکی کل دست‌نوشته را همراه با «مقدمه» کشف نکرده باشد، با این همه وی هرگز اشاره‌ای به آن نکرد. و کمی بعد، هنگامی که تصمیم گرفت تا برخی از

نوشته‌های پیش‌تر ناشناخته‌ی مارکس را بین سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۰ انتشار دهد، به مجموعه‌ای از مطالب از سال‌های ۱۸۶۱-۱۸۶۳ توجه کرد و به آن‌ها عنوان ***نظریه‌های ارزش اضافی*** داد.

کشف *گروندریسه* در سال ۱۹۲۳ به کمک دیوید ریازانف، مدیر مؤسسه‌ی مارکس - انگلس در مسکو و سازمانده‌ی ***مجموعه‌ی کامل آثار مارکس و انگلس*** (MEGA) میسر شد. ریازانف پس از ***بررسی نوشته‌های انتشارنیافته*** (Nachlass) در برلین، در گزارشی به آکادمی سوسیالیست در مسکو درباره‌ی نوشته‌های انتشارنیافته‌ی مارکس و انگلس وجود *گروندریسه* را آشکار کرد:

> من در میان اوراق مارکس هشت دفتر دیگر را درباره‌ی مطالعات اقتصادی‌اش یافته‌ام ... قدمت این دست‌نوشته‌ها را می‌توان اواسط دهه‌ی ۱۸۵۰ دانست و شامل نخستین پیش‌نویس اثر مارکس [***سرمایه***] است که عنوانش را هنوز در آن زمان تعیین نکرده بود؛ این دفاتر همچنین بیانگر نخستین روایت از ***در نقد اقتصاد سیاسی*** هستند.[1] (ریازانف ۱۹۲۵: ۳۹۳-۳۹۴)

ریازانف در ادامه می‌نویسد که «کائوتسکی در یکی از این دفاتر "مقدمه" بر ***در نقد اقتصاد سیاسی*** را یافته بود» ــ و این دست‌نوشته‌های مقدماتی برای ***سرمایه*** را «واجد اهمیت فوق‌العاده‌ای در بیان تاریخ تکامل ذهنی مارکس و روش خاص وی در کار و تحقیق می‌دانسته است.» (ریازانف ۱۹۲۵: ۳۹۴)

بر اساس موافقت‌نامه‌ای که بین مؤسسه‌ی مارکس - انگلس، مؤسسه‌ی تحقیق اجتماعی در فرانکفورت و حزب سوسیال دمکراتیک آلمان (که هنوز مسئولیت حفظ و نگهداری نوشته‌های انتشارنیافته‌ی مارکس و انگلس را برعهده داشت) برای انتشار MEGA امضا شده بود، از *گروندریسه* همراه با سایر آثار انتشارنیافته کپی‌گرفتند و متخصصان در مسکو آنها را مطالعه کردند. بین سال‌های ۱۹۲۵ و ۱۹۲۷، پاول ولر از مؤسسه‌ی مارکس - انگلس تمامی مطالب و مصالح مقدماتی برای ***سرمایه*** را فهرست‌بندی کرد که نخستین آن خود *گروندریسه* بود. در سال ۱۹۳۱، متن دست‌نوشته‌ها کاملاً پیاده و تایپ شدند و در سال ۱۹۳۳ یک بخش به زبان روسی با عنوان «فصل پول» و دو سال بعد ویراستی به زبان آلمانی از آن انتشار یافت. سرانجام در سال ۱۹۳۶ مؤسسه‌ی مارکس - انگلس - لنین (جانشین

مؤسسه‌ی مارکس- انگلس) شش دفتر از هشت دفتر ***گروندریسه*** را به دست آورد و در نتیجه حل مسائل ویراستاری باقیمانده امکان‌پذیر شد.

سپس در ۱۹۳۹، آخرین دست‌نوشته‌ی مهم مارکس، کاری گسترده مربوط به یکی از زاینده‌ترین دوره‌های زندگیش، با عنوانی که ولر داده بود *Grundrisse der Kritik der politischen Oekonomie (Rohentwurf) 1857-1858* در مسکو انتشار یافت. دو سال بعد، ضمیمه‌ای انتشار یافت که تفسیرهای سال ۱۸۵۰-۱۸۵۱ مارکس بر ***اصول اقتصاد سیاسی و مالیات‌بندی*** دیوید ریکاردو، یادداشت‌هایش بر پاسنیا و کاری، فهرست مطالب خود مارکس برای ***گروندریسه*** و مطالب مقدماتی (*Urtext*) برای ***در نقد اقتصاد سیاسی*** را با هم ترکیب کرده بود. پیش‌گفتار مؤسسه‌ی مارکس - انگلس - لنین بر ویراست سال ۱۹۳۹ ارزش استثنایی آن را برجسته کرد: «دست‌نوشته‌ی سال ۱۸۵۷-۱۸۵۸، که به طور کامل برای نخستین بار در این مجلد انتشار می‌یابد، مرحله‌ای تعیین‌کننده را در آثار اقتصادی مارکس مشخص می‌کند» (مؤسسه‌ی مارکس - انگلس - لنین ۱۹۳۹:VII).

اگرچه راهنمای ویراستاری و شکل انتشار ***گروندریسه*** مشابه با مجلدات MEGA بود، اما در آن‌ها گنجانده نشد بلکه در ویراست جداگانه‌ای انتشار یافت. علاوه بر این، نزدیکی جنگ جهانی دوم سبب شد تا این اثر عملاً ناشناخته باقی بماند: ۳۰۰۰ نسخه‌ی آن به‌سرعت کمیاب شد و تعداد اندکی از آن‌ها از مرزهای شوروی خارج شدند. ***گروندریسه*** در *Sochineniya* سال‌های ۱۹۲۸-۱۹۴۷، یعنی نخستین ویراست روسی آثار مارکس و انگلس، گنجانده نشد و نخستین انتشار آن به زبان آلمانی تا سال ۱۹۵۳ طول کشید. جای حیرت دارد که متنی مانند ***گروندریسه*** کلاً در دوران استالین انتشار یافت، چرا که با توجه به اصول اولیه‌ی بی‌چون و چرای دیامات، «ماتریالیسم دیالکتیکی» نوع شوروی، یقیناً اثری بدعت‌گذارانه بود. اما باید به یاد داشته باشیم که در آن زمان مهم‌ترین آثار مارکس به زبان آلمانی انتشار نیافته بودند. انتشار نهایی ***گروندریسه*** در آلمان شرقی در ۳۰۰۰۰ نسخه، بخشی از مراسم بزرگداشت کارل مارکس، به مناسبت هفتادمین سالگرد مرگ مارکس و صدوپنجاهمین سالگرد تولد او، بود.

گروندریسه که در سال‌های ۱۸۵۷- ۱۸۵۸ نوشته شد، تنها از ۱۹۵۳ به

بعد، یعنی پس از ۱۰۰ سال انفراد، در سراسر جهان در دسترس بود.

انتشار ۵۰۰،۰۰۰ نسخه در جهان

با وجود پژواک این دست‌نوشته‌ی عمده و جدید پیش از ***سرمایه***، و به رغم ارزش تئوریکی که به آن نسبت داده می‌شد، ویراست‌های آن به زبان‌های دیگر به‌طور آهسته انتشار می‌یافتند.

ابتدا گزیده‌ی دیگری پس از «مقدمه» نظرها را به خود جلب کرد: «صورت‌بندی‌های اقتصادی پیشاسرمایه‌داری». این مطلب در سال ۱۹۳۹ به روسی و سپس از روسیه به ژاپنی در سال ۱۹۴۷- ۱۹۴۸ ترجمه شد. متعاقباً ویراست آلمانی جداگانه‌ی این بخش و ترجمه‌ی آن به انگلیسی خوانندگان زیادی را به سوی خود کشاند: ویراست آلمانی که در سال ۱۹۵۲ به عنوان بخشی از «کتابخانه‌ی کوچک مارکسیسم - لنینیسم» انتشار یافت، پایه‌ای برای روایت‌های مجاری و ایتالیایی (به ترتیب ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴) قرار گرفت؛ در حالی که ویراست انگلیسی آن که در سال ۱۹۶۴ انتشار یافت به گسترش آن در کشورهای انگلیسی‌زبان، و از طریق ترجمه‌های آن در آرژانتین (۱۹۶۶) و اسپانیا (۱۹۶۷) در دنیای اسپانیایی‌زبان کمک کرد. ویراستار این ویراست انگلیسی، اریک هابسبام، پیش‌گفتاری را اضافه کرد که اهمیت این بخش را مورد تأکید قرار می‌داد: وی نوشت که صورت‌بندی‌های اقتصادی پیشاسرمایه‌داری «نظام‌یافته‌ترین تلاش مارکس برای کلنجار رفتن با مسئله‌ی تکامل تاریخی است»، و «می‌توان بدون هیچ تردیدی گفت که هر بحث تاریخی مارکسیستی که این موضوع را در نظر نمی‌گیرد....باید در پرتو آن از نو بررسی شود» (هابسبام ۱۹۶۴: ۱۰). پژوهشگران فراوانی در سراسر جهان به این متن توجه کردند که در بسیاری از کشورها انتشار یافته و در هر جا بحث‌های عمده‌ی تاریخی و تئوریک را ارتقا بخشیده است.

ترجمه‌های ***گروندریسه*** در کل در اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ آغاز شد؛ انتشار آن فرایندی آهسته اما بی‌وقفه بود که نهایتاً به درک و فهم کامل‌تر و از برخی جهات متفاوت از آثار مارکس انجامید. بهترین مفسران ***گروندریسه*** در زبان اصلی با آن کلنجار رفتند اما مطالعه‌ی گسترده‌تر آن ــ چه در میان پژوهشگرانی که قادر به

خواندن زبان آلمانی نبودند و بیش از هر چیز در میان مبارزان سیاسی و دانشجویان دانشگاه‌ها ـ تنها پس از انتشار آن به زبان‌های گوناگون رخ داد.

نخستین ترجمه در شرق، در ژاپن (۱۹۵۸-۱۹۶۵) و چین (۱۹۶۲-۱۹۷۸) انجام شد. ویراست روسی آن در اتحاد شوروی فقط در ۱۹۶۸-۱۹۶۹ به عنوان مکملی بر دومین ویراست بزرگ [مجموعه آثار مارکس-انگلس] Sochineniya [به زبان روسی] (۱۹۵۵-۱۹۶۶) انتشار یافت. پیش‌تر، کنار گذاشتن *گروندریسه* از آن کلاً مهم بود چراکه منجر به آن شد که از مجموعه آثار مارکس ـ انگلس (MEW) {به زبان آلمانی} در سال ۱۹۵۶-۱۹۶۸ که گزیده‌های روس‌ها را از متون در بر می‌گرفت نیز کنار گذاشته شود. به این ترتیب، مجموعه آثار مارکس ـ انگلس (MEW) ـ گسترده‌ترین ویراست آثار مارکس و انگلس که مورد استفاده قرار می‌گرفت و منبع ترجمه به زبان‌های دیگر نیز شمرده می‌شد ـ از *گروندریسه* تا انتشار نهایی‌اش در سال ۱۹۸۳ به عنوان مکمل آن محروم شده بود.

همچنین *گروندریسه* در اروپای غربی در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ به تدریج منتشر شد. نخستین ترجمه از آن به زبان فرانسه (۱۹۶۷-۱۹۶۸) منتشر شد اما کیفیت پایینی داشت و در سال ۱۹۸۰ ترجمه‌ی وفادارتری جایگزین آن شد. روایت ایتالیایی آن بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۰ انتشار یافت و ابتکار ترجمه‌ی آن همانند فرانسه از آن یک بنگاه انتشاراتی مستقل از حزب کمونیست بود.

متن *گروندریسه* به زبان اسپانیایی در دهه‌ی ۱۹۷۰ انتشار یافت. اگر روایت ۱۹۷۰-۱۹۷۱ را که در اروپا منتشر شد مستثنی کنیم که ارزش اندکی داشت چون از روایت فرانسوی ترجمه شده و پخش آن محدود به آن کشور باقی مانده بود، نخستین روایت شایسته از آن در آرژانتین بین سال‌های ۱۹۷۱-۱۹۷۶ انتشار یافت. از پی آن سومین روایت *گروندریسه* مشترکاً در اسپانیا، آرژانتین و مکزیک انتشار یافت و اسپانیایی را به زبانی تبدیل کرد که بزرگ‌ترین شمار ترجمه‌ی *گروندریسه* را دربرداشت.

ترجمه‌ی انگلیسی در ۱۹۷۱ با منتخبی از گزیده‌ها انجام شد و ویراستار آن، دیوید مک‌للان، توقعات خوانندگان متن را بالا برد: «*گروندریسه* چیزی بیش از متن خام *سرمایه* است» (مک‌للان ۱۹۷۱:۲)؛ در حقیقت بیش از هر اثر دیگر،

«شامل ترکیبی از لایه‌های گوناگون اندیشه مارکس است ... به یک معنا، هیچکدام از آثار کامل نیستند اما کامل‌ترین آن‌ها *گروندریسه* است» (مک‌للان ۱۹۷۱: ۱۴-۱۵). سرانجام کامل‌ترین ترجمه در سال ۱۹۷۳ انجام شد، بیست سال پس از آنکه ویراست اصلی به زبان آلمانی انتشار یافته بود. مترجم آن، مارتین نیکولاس، در پیش‌گفتار خود چنین نوشت:

> *گروندریسه* علاوه بر ارزش زندگی‌نامه‌نویسی و تاریخی مطالب جدید زیادی را می‌افزاید و تنها طرح کلی از پروژه‌ی کامل سیاسی ـ اقتصادی مارکس تلقی می‌شود ... *گروندریسه* هر تفسیر جدی مارکس را که تاکنون درک شده به چالش می‌طلبد و به بوته‌ی آزمون می‌گذارد.(نیکولاس ۱۹۷۳: ۷)

دهه‌ی ۱۹۷۰ همچنین دهه‌ی تعیین‌کننده‌ای برای ترجمه‌های آن در اروپای شرقی بود. زیرا هنگامی که در اتحاد شوروی چراغ سبز داده شد، دیگر هیچ مانعی برای انتشار آن در کشورهای «اقمار» وجود نداشت: مجارستان (۱۹۷۲)، چکسلواکی (۱۹۷۱-۱۹۷۷ در چک و ۱۹۷۴- ۱۹۷۵ در اسلواکی) و رومانی ۱۹۷۲-۱۹۷۴ و نیز در یوگسلاوی ۱۹۷۴. در همین دوره دو ویراست متفاوت دانمارکی تقریباً هم‌زمان برای فروش عرضه شد: یکی از آن‌ها توسط بنگاه انتشاراتی وابسته به حزب کمونیست (۱۹۷۴- ۱۹۷۸) و دیگری توسط یک انتشاراتی نزدیک به چپ جدید (۱۹۷۵-۱۹۷۷).

در دهه‌ی ۱۹۸۰ *گروندریسه* در ایران نیز ترجمه شد (۱۹۸۵-۱۹۸۷) که نخستین ویراست دقیق از آثار بلند مارکس به فارسی و نیز در شماری از کشورهای اروپایی دیگر بود. ویراست اسلوانی در ۱۹۸۵ و ویراست‌های لهستانی و فنلاندی در ۱۹۸۶(این آخری با حمایت شوروی) انتشار یافتند.

با فروپاشی اتحاد شوروی و پایان کار «سوسیالیسم واقعاً موجود»، که در حقیقت نفی آشکار اندیشه‌ی مارکس بود، وقفه‌ای در انتشار آثار مارکس رخ داد.

با این همه، حتی در سال‌هایی که سکوت پیرامون نویسنده‌ی *گروندریسه* فقط توسط مردمی شکسته می‌شد که با یقین آن را به طاق نسیان سپرده بودند، *گروندریسه* همچنان به زبان‌های دیگر ترجمه می‌شد. ویراست‌ها به زبان یونانی (۱۹۸۹-۱۹۹۲)، ترکیه (۱۹۹۹-۲۰۰۳)، کره جنوبی (۲۰۰۰) و برزیل

(برنامه‌ریزی‌شده برای ۲۰۰۸) اثر مارکس را به اثری تبدیل کردند که در دو دهه‌ی اخیر بیشترین ترجمه از آن شده است.

در مجموع *گروندریسه* در تمامیت خود به ۲۲ زبان[۲] در ۳۲ روایت متفاوت انتشار یافته است. صرف‌نظر از ویراست‌های ناقص آن، در بیش از ۵۰۰۰۰ نسخه انتشار یافته است[۳]، رقمی که بی‌گمان مردی را شگفت‌زده می‌کرد که صرفاً به قصد جمع‌بندی مطالعات اقتصادی‌اش تا آن زمان، با بیشترین شتاب ممکن، آن را نوشته بود.

خوانندگان و مفسران

تاریخ پذیرش *گروندریسه* و نیز انتشارش با آغازی پرتاخیر مشخص می‌شود. علت تعیین‌کننده‌ی آن، صرف‌نظر از پیچ و تاب‌های مرتبط با کشف دوباره‌ی آن، بی‌گمان پیچیدگی ناشی از خصوصیت تکه‌تکه و خام بودن خود دست‌نوشته است که کار تفسیر و ترجمه‌ی آن را به زبان‌های دیگر دشوار می‌کند. در این رابطه، پژوهشگر معتبر، رومن روسدولسکی اشاره کرده است:

> در سال ۱۹۴۸ که برای نخستین بار از این اقبال برخوردار شدم تا یکی از آن نسخه‌های بسیار نادر آن را ببینم ... از همان آغاز روشن بود که اثری است که برای نظریه‌ی مارکسیستی اهمیتی بنیادین دارد. با این همه، شکل نامتعارف و تا حدی شیوه‌ی بیان مبهمش آن را دور از دسترس حلقه‌ی وسیع خوانندگان قرار داد.(روسدولسکی xi:۱۹۷۷)

این ملاحظات روسدولسکی را بر آن داشت تا شرحی روشن و یک بررسی انتقادی از متن را ارائه دهد: نتیجه‌ی کار کتاب *تکوین سرمایه*[۱] مارکس بود که به زبان آلمانی در سال ۱۹۶۸ انتشار یافت و نخستین رساله‌ی اساسی بود، و هنوز هم هست، که به *گروندریسه* اختصاص یافته است. کتاب روسدولسکی که به زبان‌های

۱. این کتاب با عنوان «سرمایه مارکس چگونه شکل گرفت» توسط سیمین موحد، نشر قطره و نشرورجاوند، تهران، بهار ۱۳۸۹ به فارسی برگردانده شده است. - م

بسیاری ترجمه شده، مشوق انتشار و گردش آثار مارکس بود و تاثیر چشمگیری بر تمامی مفسران بعدی *گروندریسه* گذاشت.

سال ۱۹۶۸ برای *گروندریسه* سال مهمی بود. علاوه بر کتاب روسدولسکی، نخستین مقاله درباره‌ی آن به زبان انگلیسی در شماره مارس-آوریل *نیولفت ریویو* انتشار یافت: مقاله‌ی «مارکس ناشناخته» از مارتین نیکولاس از این شایستگی برخوردار بود که *گروندریسه* را هر چه وسیع‌تر شناساند و نیاز به ترجمه‌ی کامل آن را مورد تاکید قرار داد. در این میان، در آلمان و ایتالیا، *گروندریسه* نظر برخی از بازیگران اصلی در شورش دانشجویی را به خود جلب کرد که هنگام مطالعه‌ی آن با محتوای رادیکال و انفجارگونه‌ی آن برانگیخته شدند. جذابیت آن به ویژه در میان آن دسته از طرفداران چپ جدید که تفسیر ارائه‌شده از مارکسیسم - لنینیسم درباره‌ی مارکس را رد کرده بودند، مقاومت‌ناپذیر بود.

از سوی دیگر، زمانه در شرق نیز در حال تغییر بود. بعد از یک دوره‌ی اولیه که *گروندریسه* طی آن تقریباً کاملاً فراموش شده یا با بی‌اعتمادی با آن برخورد می‌کردند، بررسی مقدماتی ویتالی ویگودسکی - *تاریخ یک کشف بزرگ: مارکس چگونه سرمایه را نوشت* که در روسیه در ۱۹۶۵ و در جمهوری دمکراتیک آلمان در ۱۹۶۷ انتشار یافت - کاملاً مسیر جدیدی را در پیش گرفت. وی *گروندریسه* را «اثر یک نابغه» برشمرد که «ما را به" آزمایشگاه خلاقانه"ی مارکس می‌برد و قادرمان می‌سازد تا گام به گام فرایندی را دنبال کنیم که مارکس در آن نظریه‌ی اقتصادی‌اش را ساخته و پرداخته کرد»، و بنابراین ضروری است که توجه شایسته به آن نشان داده شود (ویگودسکی ۱۹۷۴: ۴۴).

طی چند سال *گروندریسه* به متن کلیدی برای بسیاری از مارکسیست‌های متنفذ تبدیل شد. صرف‌نظر از کسانی که پیش‌تر ذکر شد، محققانی که به ویژه به آن توجه نشان دادند عبارت بودند از والتر توخشیرر در جمهوری دمکراتیک آلمان، آلفرد اشمیت در جمهوری فدرال آلمان؛ اعضای مکتب بوداپست در مجارستان، لوسین سیو در فرانسه، کیوآکی هیراتا در ژاپن، گاژو پتروویچ در یوگسلاوی، آنتونیو نگری در ایتالیا، آدام شاف در لهستان و آلن اوکلی در استرالیا. به‌طور کلی، *گروندریسه* به اثری تبدیل شد که پژوهشگر جدی مارکس باید آن را

درک می‌کرد. مفسران *گروندریسه* با تفاوت‌هایی اندک به کسانی تقسیم شدند که آن را اثری مستقل می‌دانستند که از لحاظ مفهومی در خود کامل است و کسانی که آن را دست‌نوشته‌ای اولیه می‌دانستند که راه را برای *سرمایه* گشود. پیشینه‌های ایدئولوژیکی در مورد بحث‌های *گروندریسه* ـ هسته‌ی این مجادله مشروعیت یا عدم مشروعیت ابز رهیافت‌ها نسبت به مارکس با پیامدهای عظیم سیاسی‌شان بود ـ به نفع رشد تفسیرهای ناقص و آنچه امروزه تفسیرهای پوچ تلقی می‌شود بوده است. زیرا برخی از متعصب‌ترین شارحان *گروندریسه* حتی این بحث را مطرح کرده‌اند که *گروندریسه* از نظر تئوریک برتر از *سرمایه* است، هرچند سرمایه ماحصل ده سال اضافی تحقیق شدید است. به همین ترتیب، در میان خرده‌گیران به *گروندریسه*، کسانی هستند که مدعی‌اند با وجود بخش‌های مهمی در آن که به درک ما از رابطه‌ی مارکس با هگل یاری می‌رساند و به‌رغم فرازهای برجسته درباره‌ی بیگانگی، *گروندریسه* چیزی به آنچه پیش‌تر درباره‌ی مارکس می‌دانستیم نیافزوده است.

نه تنها قرائت‌های مخالفی از *گروندریسه* وجود دارد، بلکه نخوانده‌هایی نیز وجود دارند که برجسته‌ترین و بارزترین نمونه‌ی آن لویی آلتوسر است. با اینکه وی تلاش کرده بود سکوت فرضی مارکس را درهم بشکند و او را به سخن گفتن وادارد، و *سرمایه* را به نحوی بخواند که بقایای نامشهود درون آن را مشهود کند (آلتوسر و بالیبار ۱۹۷۹: ۳۲)، حجم انبوهی از صدها برگ مکتوب *گروندریسه* را نادیده گرفت و اندیشه‌ی مارکس را به آثار جوانی و آثار دوران پختگی‌اش تقسیم کرد (موضوعی که بعدها به‌شدت مورد مجادله قرار گرفت)، بدون اینکه از محتوی یا اهمیت دست‌نوشته‌های ۱۸۵۷-۱۸۵۸ اطلاعی داشته باشد.(۴)

با این همه، از اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰، *گروندریسه* شمار بیشتری از خوانندگان و مفسران را جلب کرد. دو تفسیر مفصل انتشار یافت، یکی در سال ۱۹۷۴ به زبان ژاپنی (موریتا و یامادا ۱۹۷۴) و دیگری در ۱۹۷۸ به زبان آلمانی (*Projektgruppe Entwicklung des Marxschen Systems* 1978)، درباره‌ی آن نوشته‌اند. شماری از پژوهشگران آن را متنی با اهمیتی ویژه برای یکی از موضوعات مربوط به اندیشه‌ی مارکس می‌دانستند که به نحو گسترده‌ای مورد

مجادله قرار گرفته بود: مقصودم دین ذهنی مارکس به هگل است. عده‌ای دیگر مجذوب جملات تقریباً پیامبرگونه در قطعات مربوط به ماشین‌آلات و خودکارسازی شدند و در ژاپن نیز *گروندریسه* را به‌عنوان متنی بسیار محبوب برای فهم مدرنیته می‌خواندند. در دهه‌ی ۱۹۸۰ نخستین مطالعات مفصل در چین انتشار یافت و از این اثر برای روشن کردن جریان تکوین *سرمایه* استفاده کردند، این در حالی است که در اتحاد شوروی مجلدی جمعی که تماماً به *گروندریسه* اختصاص یافته بود انتشار یافت (Vv. Aa. ،۱۹۸۷).

در سال‌های اخیر، توانایی پایدار آثار مارکس برای تبیین (و در عین حال نقد) شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری موجب تجدیدعلاقه‌ی بسیاری از پژوهشگران بین‌المللی شده است (ر.ک. به موستو ۲۰۰۷). اگر این تجدیدعلاقه تداوم یابد و با تقاضای جدیدی برای خواندن مارکس در قلمرو سیاست روبرو شود، بار دیگر ثابت خواهد شد که *گروندریسه* بی‌گمان یکی از نوشته‌های مارکس است که می‌تواند توجه عمده‌ی زیادی را کسب کند.

با این همه، با این امید که «نظریه‌ی مارکس هنوز منبع زنده شناخت و عمل سیاسی است که این شناخت جهت می‌دهد» (روسدولسکی xiv:۱۹۷۷)، ماجرایی که در اینجا درباره‌ی انتشار و پذیرش *گروندریسه* ارائه شد، به عنوان بازشناسی ناچیز مولف آن و نیز تلاش برای بازسازی فصلی هنوز ناشناخته در تاریخ مارکسیسم تلقی می‌شود.

پیوست ۱: جدول زمانی ترجمه‌های گروندریسه

۱۹۴۱-۱۹۳۹	نخستین ویراست آلمانی
۱۹۵۳	دومین ویراست آلمانی
۱۹۶۵-۱۹۵۸	ترجمه‌ی ژاپنی
۱۹۷۸-۱۹۶۲	ترجمه‌ی چینی
۱۹۶۸-۱۹۶۷	ترجمه‌ی فرانسه
۱۹۶۹-۱۹۶۸	ترجمه‌ی روسی
۱۹۷۰-۱۹۶۸	ترجمه‌ی ایتالیایی
۱۹۷۱-۱۹۷۰	ترجمه‌ی اسپانیایی
۱۹۷۷-۱۹۷۱	ترجمه‌ی چک
۱۹۷۲	ترجمه‌ی مجاری
۱۹۷۴-۱۹۷۳	ترجمه‌ی رومانیایی
۱۹۷۳	ترجمه‌ی انگلیسی
۱۹۷۵-۱۹۷۴	ترجمه‌ی اسلواکی
۱۹۷۸-۱۹۷۴	ترجمه‌ی دانمارکی
۱۹۷۹	ترجمه‌ی صربی/صربوکرواتی
۱۹۸۵	ترجمه‌ی اسلوانی
۱۹۸۷-۱۹۸۵	ترجمه‌ی فارسی
۱۹۸۶	ترجمه‌ی لهستانی
۱۹۸۶	ترجمه‌ی فنلاندی
۱۹۹۲-۱۹۸۹	ترجمه‌ی یونانی
۲۰۰۳-۱۹۹۹	ترجمه‌ی ترکی
۲۰۰۰	ترجمه‌ی کره‌ای
۲۰۰۸	ترجمه‌ی پرتغالی

پیوست ۲: چند نکته درباره‌ی محتوی و ساختار پاره‌ی سوم کتاب حاضر

تحقیق درباره‌ی *گروندریسه* در صفحات بعد در مورد تمامی کشورهایی است که این اثر به طور کامل در آن‌ها ترجمه شده است. در مورد کشورهایی که زبان مشترکی دارند (آلمان، اتریش و سوییس برای زبان آلمانی؛ کوبا، آرژانتین؛ اسپانیا و مکزیک برای زبان اسپانیایی؛ ایالات متحد، انگلستان، استرالیا و کانادا برای زبان انگلیسی؛ برزیل و پرتغال برای پرتغالی) و در آن‌ها انتشار *گروندریسه* کم و بیش هم‌زمان انجام شد، در فصل‌های مشابهی به آن‌ها پرداخته شده است. به همین ترتیب، فصل‌هایی که در آن به کشورهایی اشاره می‌شود که *گروندریسه* به بیش از یک زبان ترجمه شده بود (چکسلواکی و یوگسلاوی) شامل تاریخچه‌ی انتشار برای همه‌ی زبان‌های مربوطه است. علاوه بر این، چون این دو کشور دیگر به این عنوان وجود ندارند، عنوان فصل‌های مربوطه به نام کشورهایی است که در زمان انتشار *گروندریسه* داشته‌اند.

ترتیب فصل‌ها از نظم تاریخی انتشار *گروندریسه* پیروی می‌کند. تنها استثناء فصل «روسیه و اتحاد شوروی» است که بلافاصله پس از «آلمان، اتریش و سوییس» آمده است و این به دلیل پیوند نزدیک بین این دو و نیز به این دلیل است که نخستین انتشار *گروندریسه* به زبان آلمانی در اتحاد شوروی انجام شد.

هر فصل شامل زندگی‌نامه‌نویسی مفصلی است که برای تأکید بر موارد زیر تقسیم‌بندی شده است:

۱. ویراست‌های کامل *گروندریسه*
۲. ویراست‌های عمده‌ی ناقص از *گروندریسه*
۳. آثار انتقادی درباره‌ی *گروندریسه* و
۴. هر جا که ضروری باشد منابع کتاب‌نامه‌ای دیگر آورده می‌شود.

در نخستین تقسیم‌بندی اطلاعات ویراستاری درباره‌ی ترجمه و انتشار متون دیگر گاهی افزوده می‌شود. چنانچه این اطلاعات توسط نویسندگان متن افزوده شده باشد، برای اختصار در کتاب‌نامه تکرار نمی‌شوند. همین ضابطه برای نام‌های مترجمان *گروندریسه* یا ویراست‌های ناقص آن (نام‌های مترجمان کتاب‌ها در بخش

«آثار انتقادی درباره‌ی **گروندریسه**» و «**منابع دیگر**» که در هیچ بخشی به متن افزوده نشده آمده است) و نیز برای عناوین بررسی‌های متعددی که انجام شده به‌کار برده شده است.

چون تحقیق حاضر صدها کتاب و مقاله‌ای را که به ***گروندریسه*** پرداخته‌اند در بر نمی‌گیرد، ملاحظات مربوط به کمبود جا در کتاب حاضر به این معناست که این امکان وجود داشته کتاب‌نامه موارد زیر را شامل شود:[1] ویراست‌های ناقص **گروندریسه** که مقدم بر ویراست کامل و در برخی موارد نادر بودند، ویراست‌هایی که اهمیت ویژه‌ای داشته و به دنبال آن‌ها انتشار یافته‌اند.[2] آثار انتقادی ذکرشده در متن توسط هر مولف.

تمامی عناوین کتاب‌ها و مجلات غیرانگلیسی ابتدا به زبان همان کشور (در مواردی مانند ویراست‌های ژاپنی، چینی، فارسی، یونانی و کره‌ای عین عبارت نوشته شده است) و بعد ترجمه‌ی انگلیسی آن آمده است. به طور کلی، ترجمه‌ی عناوین در متن داده شده است، اما اگر فصل مورد سوال از کتاب یا مقاله‌ای هماهنگ با سیستم مراجع هاروارد داده شده باشد (یعنی فقط با نام نویسنده و سال انتشار) ترجمه در کتابنامه یافت می‌شود. سرانجام در مورد کتاب‌ها و مقالاتی که پیش‌تر به انگلیسی ترجمه شده‌اند، همواره با عنوان همان ترجمه نقل شده‌اند، ولو اینکه با عنوان ترجمه‌ی تحت‌اللفظی آن تفاوت داشته باشد.

ترجمه از زبان ایتالیایی توسط پاتریک کامیلیه

یادداشت‌ها

۱. **روایت روسی این گزارش** در ۱۹۲۳ انتشار یافت.

۲. **به فهرست زمانی ترجمه‌ها** در پیوست شماره‌ی ۱ توجه کنید. به ترجمه‌های کاملی که در **بالا اشاره شد باید گزیده‌های انتشاریافته** به زبان سوئدی و نیز به زبان مقدونی و همچنین **ترجمه‌های «مقدمه»**، و «صورت‌های مقدم بر تولید سرمایه‌داری» که به زبان‌های گوناگون **از ویتنامی تا نروژی** و نیز به عربی، هلندی و بلغاری انتشار یافته‌اند افزوده شود.

۳. **این رقم برمبنای حاصل جمع نسخه‌های چاپ‌شده** که در جریان این پژوهش در کشورهای **مورد بحث از آنها اطمینان یافته‌ایم** به دست آمده است.

۴. ر.ک. به سوه (۲۰۰۴) که به یاد می‌آورد «آلتوسر به غیر از متونی مانند مقدمه ... هرگز ***گروندریسه*** را به معنای واقعی کلمه نخوانده بود» (ص.۲۹). سوه با اقتباس از اصطلاح گاستون باشلرد یعنی «گسست شناخت‌شناسی»، که خود آلتوسر وام گرفته و استفاده کرده بود، از «گسست مصنوعی کتابنامه‌ای که به اشتباه‌آمیزترین دیدگاه‌ها درباره‌ی تکوین و به این ترتیب درباره‌ی انسجام اندیشه‌ی بالیده‌ی مارکس انجامید» (ص. ۳۰) یاد می‌کند.

منابع

Althusser, Louis and Balibar, Etienne (1979) *Reading Capital*, London: Verso.

Hobsbawm, Eric J.(1964) 'Introduction', in Karl Marx, *Pre-Capitalist Economic Formations*, London: Lawrence & Wishart, pp.9-65.

McLellan, David (1971) Marx's *Grundrisse*, London: Macmillan.

Marx, Karl (1903) 'Einleitung zu einer Kritik der politischen ?konomie ', *Die Neue Zeit*, 21, vol.1: 710-18, 741-5 and 772-81.

Marx-Engels-Lenin Institute (1939) 'Vorwort' ['Foreword'], in Karl Marx, *Grundrisse der Kritik der politischen Oekonomie (Rohentwurf)* 1857-1858, Moscow: Verlag fur Fremdsprachige Literatur, pp.vii-xvi.

Morita, Kiriro and Yamada, Toshio (1974) *Komentaru keizaigakuhihan'yoko* [Commentaries on the *Grundrisse*], Tokyo: Nihonhyoronsha.

Musto, Marcello (2007) 'The Rediscovery of Karl Marx', *International Review of Social History*, 52/3: 477-98.

Nicolaus, Martin (1973) 'Foreword', in Karl Marx, *Grundrisse: Foundations of the Critique of Political Economy (Rough Draft)*, Harmondsworth: Penguin, pp.7-63.

Projektgruppe Entwicklung des Marxschen Systems (1978) *Grundrisse der Kritik der politischen Oekonomie (Rohentwurf). Kommentar* [*Outlines of the Critique of Political Economy. Rough Draft. Commentary*], Hamburg: VSA.

Rosdolsky, Roman (1977) *The Making of Marx's 'Capital'*, vol.1, London: Pluto Press.

Ryazanov, David (1925) 'Neueste Mitteilungen iiber den literarischen Nachlass von Karl Marx und Friedrich Engels' ['Latest reports on the literary bequest of Karl Marx and Friedrich Engels'], *Archiv fuer die Geschichte des Sozialismus und der Arbeiterbewe-gung*, 11:385-400.

Seve, Lucien (2004) *Penser avec Marx aujourd'hui*, Paris: La Dispute.

Vv. Aa. (1987) *Pervonachal'ny variant 'Kapitala'. Ekonomicheskie rukopisi K.Marksa 1857-1858 godov* [*The first version of Capital, K.Marx's Economic Manuscripts of 1857-1858*], Moscow: Politizdat.

Vygodski, Vitali S.(1974) *The Story of a Great Discovery: How Marx Wrote 'Capital'*, Tunbridge Wells: Abacus Press.